

فوبیای دست زدن به رایانه

فرهنگ اصطلاحات روان‌شناسی عصر ارتباطات

۵۱۱



رویا صدر
تصویرگر: سام سلماسی

تعریف

«فوبیای دست زدن به رایانه» سندرمی است که امروزه در برخی نظام‌های آموزشی مفهومی کانونی دارد. نمونه‌هایی از آن در میان استادان مراکز تربیت معلم نیز مشاهده شده است که به آن، فوبیای پسا-پست‌مدرنیسم فاوایی نیز می‌گویند.

علائم

فرد مبتلا از دست زدن به دستگاه رایانه گریزان است و از به‌کارگیری سیستم ایمیل برای ارتباط با دانشجویان، هراس دارد. مبتلایان ممکن است خواب ببینند که آدم‌خواران قبایل آفریقایی اشکالات درسی خود را از طریق ایمیل، وایبر، وی‌چت و دیگر وسایل فناورانه امروزی از آن‌ها پرسیده‌اند. این امر معمولاً به حس ناامنی و ترس مبتلایان از رایانه دامن می‌زند. حتی گاهی برخی مبتلایان از کابوسی حرف می‌زنند که در آن دستگاه رایانه در یک بیابان بزرگ در حال تعقیب آن‌هاست و سعی می‌کند انگشت‌هایشان را روی صفحه کلید خود فشار دهد. در موارد خطرناک‌تر، در میان برخی مبتلایان حتی کابوس نشستن پای دستگاه و مطالعه ایمیل دانشجویان نیز گزارش شده است. گاه ممکن است این سندرم با تظاهرات دیگر از قبیل عذر و بهانه آوردن برای جواب‌ندادن به ایمیل‌ها و مجهز نبودن به سیستم‌های مدرن در آموزش، از قبیل نداشتن عینک ذره‌بینی، درد در ناحیه انگشت اشاره و ناتوانی در فشار دادن صفحه کلید همراه شود. در واقع، کسی که به سندرم فوبیای دست زدن به دستگاه مبتلاست، لزوماً دچار نارسایی در اطلاعات نیست؛ چنان‌که ارسطوی حکیم نیز در این باره گفته است: «تخیر، دچار نارسایی در اطلاعات نیست»، بلکه دلش نمی‌خواهد نظم و نظام چندصدهزار ساله اختراعات و ابتکارات از جمله پدیده دیواره نویسی غارها و یا نوشتن روی پوست آهو و یا کاغذ را بر هم زند. گاهی تصور می‌شود میان مبتلایان و مخترعان کاغذ در چین و ماچین ارتباط معناداری وجود دارد. چرا که آن‌ها در پاسخ به دانشجویان بی‌فکر بی‌ملاحظه‌ای که با بی‌توجهی هر چه تمام‌تر می‌گویند: «استاد، به خدا راهمون دوره. باید تا مریخ بریم و برگردیم. می‌شه جوابارو براتون ایمیل کنیم و روی کاغذ ننویسیم؟ به شدت از کوره درمی‌روند و می‌گویند: «نه، نمی‌شه.»

راه‌های ابتلا

منشأ این سندرم مشخص نیست ولی مجموعه یافته‌های بالینی و پاراکلینیک نشان می‌دهد که نظام آموزشی نادرست در شکل‌گیری آن نقش دارد؛ گرچه کامپیوتر زغالی خوب هم بی‌تأثیر نیست. چنانچه دکتر ابوالقاسم فردوسی در «چگونه فولاد آبدیده شد» بر سرایت این سندرم از طریق آموزش نادرست در دوره‌های حین خدمت و دوره‌های تحصیلی و امثاله تأکید دارد ولی میرزا حسینقلی خان هدایت، سرایت آن را از طریق باند، لنگراندازی در دریا و فیتوپلانکتون‌هایی که از کابل‌های اینترنت تغذیه می‌کنند و باعث اختلال در شبکه‌های اینترنتی و از دسترس خارج شدن آن‌ها می‌شوند، منتفی نمی‌داند.



راه‌های درمان

راه‌های درمان هنوز کاملاً روشن و واضح باشد و یا نباشد، چندان مهم نیست. چنان‌که عین‌القضات سمرقندی، از اعظام شاگردان یکی از مراکز آموزشی بلخ، در کتاب مشهور خود به نام: «لذات فارغ‌التحصیلی» در این باره و دیگر باره‌ها می‌گوید: «بابا این حرفارو ولش کن... شما بیه کار تدریس پاره وقت سراغ نداری؟ فاوا هم هر چی باشه قبوله...»

نمونه‌ها

ارسطوی حکیم، استاد مرکز تربیت معلم است که در کلیه ساعات شبانه‌روز، بر ویژگی‌های عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید می‌کند و معتقد است که فاوا بسیار خوب و لازم می‌باشد. از جملات قصار اوست: «شایسته است تکریم فناوری اطلاعات به هنگام سخن گفتن و گرفتن تکالیف به صورت دستی، و هر چیز به جای خویش نیکوست... و حرف نباشد.» از این رو به نظر می‌رسد افکار و اعمال او آشنا باشد و با واقعیتی که ما اینجا و آنجا می‌شناسیم، بتواند ارتباط زیادی برقرار کند و خیلی‌های دیگر مثل او فکر کنند. چنانچه استاد دکتر ابن هیثم دارقوزآبادی نیز در رساله ارزشمند «فاوا سیری چند؟» در این باره گفته است: «اگر دانشجو در ثریا هم باشد، شایسته است تحقیقش را بکند توی طلق و شیرازه و برای من بیاورد... در ضمن، عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات خیلی مهم است.»